



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	: امینی نژاد، محسن، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحول حقوق عمومی در انقلاب مشروطه/ مولفین محسن امینی نژاد، بابک باصری.
مشخصات نشر	: تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۲ ص.
شابک	: 978-600-469-572-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۰۹ - ۲۲۲.
موضوع	: دولت - ایران - تاریخ
موضوع	: State, The - Iran - History
موضوع	: حقوق عمومی - ایران - تاریخ
موضوع	: Public law - Iran - History
موضوع	: حقوق اساسی - ایران - تاریخ
موضوع	: Constitutional history - Iran
موضوع	: اسلام و مشروطیت
موضوع	: Islam and Iranian constitution.
موضوع	: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۲۲۴ - ۱۳۲۷ ق.
موضوع	: Iran - History - Constitutional Revolution, 190۵-19۷۹
شناسه افزوده	: باصری، بابک، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره	: ۳۰۹۶ - ۸۳۰ - ۱۷۸۰ JQ1۷۸۰
رده بندی دیویی	: ۲۰۰ - ۹۵۹۰۲
شماره کتابشناختی ملی	: ۵۱۳۶۶۷۳

تحول حقوق عمومی در انقلاب مشروطه

محقق: محسن امینی نژاد،

ناشر: سنجش و دانش

۵۰ نسخه

۱۳۹۶، اول

۵۷۲-۵۶۹-۴۶۹-۶۰۰-۹۷۸

۱۸۰۰۰ تومان

مولفین:

ناشر:

تیراژ:

نوبت چاپ:

شابک:

آدرس: خ دانشگاه - تقاطع روانمهر - ساختمان سنجش و دانش پ ۱۲۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۸	مقدمه:
۱۱	فصل اول:
۱۱	مفاهیم و مبانی نظری
۱۲	مبحث اول: مبانی مفهومی دولت
۱۲	گفتار اول: ضرورت وجود دولت
۱۴	گفتار دوم: ریشه‌های باستانی
۱۵	بند اول: یونان باستان
۲۰	بند دوم: امپراتوری روم
۲۳	بند سوم: ایران باستان
۳۱	گفتار سوم: دولت‌های مطلقه
۳۱	بند اول: اندیشه‌های قرون وسطی
۵۰	گفتار چهارم: دولت‌های مدرن
۵۰	بند اول: مفهوم دولت مدرن
۵۳	بند دوم: مشروعیت دولت مدرن
۵۶	مبحث دوم: مفاهیم و منابع مشروعیت دولت
۵۶	گفتار اول: منابع مشروعیت دولت
۵۶	بند اول: مفهوم مشروعیت
۵۹	بند دوم: لزوم احراز مشروعیت
۶۷	بند چهارم: دین و مشروعیت دولت
۶۹	گفتار دوم: کاريزما و عقلانیت
۶۹	بند اول: مشروعیت کاریزماتیک
۷۳	بند دوم: مشروعیت عقلانی
۸۰	گفتار سوم: نظریات مربوط به مشروعیت دولت
۸۱	بند اول: دولت مبتنی بر رضایت
۸۲	بند دوم: نظریه قرارداد اجتماعی
۸۸	بند سوم: دولت به مثابه پدیده طبیعی
۸۹	بند چهارم: بنیاد و نظریه اصالت فایده (سودانگاری)
۹۰	بند پنجم: دولت تکثر گرا
۹۱	فصل دوم:

۹۱	انقلاب مشروطه و تحولات حقوق عمومی در ایران
۹۲	مبحث اول: نظام پادشاهی مشروطه
۹۳	گفتار دوم: بسترهای دوگانه نظریه سلطنت مشروطه
۹۸	مبحث دوم: تحول نظریه مشروعیت دولت
۹۸	گفتار اول: ایجاد انقلاب مشروطه
۱۰۳	بند اول: اصلاحات مجلس اول
۱۱۱	گفتار دوم: برقراری عدالت خانه
۱۱۳	بند اول: تفسیرها و روایت‌های مورخان مشروطه درباره عدالتخانه
۱۱۶	بند دوم: مقایسه مشروطه با عدالت خانه
۱۱۹	گفتار سوم: رسیدگی به تظلمات کارگران پادشاه
۱۲۵	مبحث سوم: محور حاکمیت قانون و تفکیک قوا
۱۲۵	گفتار اول: اصل حاکمیت قانون و پیشینه آن
۱۲۶	گفتار دوم: پیشینه حاکمیت قانون
۱۲۷	گفتار سوم: ظهور حاکمیت قانون در دوران مشروطه
۱۳۵	گفتار چهارم: پاسخ ناسیونالیست‌ها به مورد حکومت قانون
۱۳۶	مبحث چهارم: تفکیک قوا در مشروطه
۱۳۸	گفتار اول: نهضت مشروطه، آغاز اصل تفکیک قوا
۱۴۵	گفتار دوم: ناکارآمدی تفکیک قوا در بستر مشروطه
۱۵۰	فصل سوم:
۱۵۰	نقش و جایگاه نهادسازی دموکراتیک در تثبیت مشروعیت مین دولت
۱۵۰	گفتار دوم: مجلس شورای ملی و مجلس سنا
۱۵۰	بند اول: مجلس شورای ملی
۱۵۴	بند دوم: موارد اختلاف مجلس و دولت
۱۵۷	بند سوم: عصر دوم مشروطیت (مجلس ششم تا سیزدهم)
۱۵۸	بند چهارم: متمم قانون اساسی
۱۶۰	بند پنجم: مجلس سنا
۱۶۳	گفتار سوم: قوه مجریه و عدلیه
۱۶۳	بند اول: بررسی جایگاه قوه مجریه در دوران مشروطه
۱۶۴	بند دوم: ویژگی‌های دولت مشروطه از دیدگاه روزنامه‌نگاران
۱۶۷	بند سوم: شاخص‌های حکومت‌مندی دولت مشروطه
۱۶۸	بند چهارم: علل ناکامی قوه مجریه در دوران مشروطه
۱۶۹	بند پنجم: دیوان خانه عدلیه
۱۷۲	فصل اول محاکمه صلیحیه
۱۷۴	فصل دوم- محاکم ابتدایی
۱۷۵	فصل سوم- محاکم استیناف
۱۷۶	گفتار اول: تقابل مشروطه خواهان و مشروعه خواهان
۱۷۶	بند اول: اختلاف در فهم دین

۱۷۷.....	بند دوم: اختلاف در نظام سیاسی مطلوب
۱۸۰.....	بند سوم: اختلاف در مشرب اصولی
۱۸۱.....	بند چهارم: اختلاف در اصالت و طیفه و اصالت ساختار
۱۸۲.....	گفتار دوم: افکار عمومی و خودکامگی پادشاهان
۱۸۵.....	بند اول: منورالفکری بیمار و وایسته
۱۸۷.....	بند دوم: وجوب حیات طبقات میانی
۱۹۰.....	بند سوم: خودکامگی پادشاهان
۱۹۲.....	بند چهارم: تغییرات در قانون اساسی مشروطه و متمم آن و تائیری که بر حدود اختیارات پادشاه نهاد
۱۹۸.....	منابع و مراجع:

www.ketab.ir

تکوین مشروعیت پایدار در سده معاصر، از مسائلی بوده که رژیم‌های حاکم همراه با آن به مثابه یک معضل اساسی دست به گریبان بوده‌اند و اگر در سال‌هایی محدود، این امر به صورت نسبی تحقق می‌یافت، با گذر ایام دوباره به مثابه امری پر مساله و گاه بحرانی پدیدار می‌گردید پیش از این، رژیم سیاسی از مشروعیتی سنتی در شکل پدرسالاری برخوردار بود و پیر سالاری قبیله را به پدرسالاری و پدر شاهی در نظام سیاسی بسط داده بود. ضمن این که با تقویت کار آمدی نظام سیاسی در تامین امنیت و نظم به توسعه مشروعیت خرد در نهاد، رژیم سیاسی رژیم اهتمام کرد. در عین حال که نباید از سهم مؤثر عنصر خارجی در حکم‌رانی داخلی به ویژه در دهه‌های پایانی این دوره غفلت کرد. با این همه، از یک سو بروز حالت‌های جدی در عرصه اقتصاد جنگ زده داخلی، بالا گرفتن تب اعطای امتیازات به دولت‌های خارجی و مسأله بروز بحران‌های اجتماعی به دنبال آن، و اعمال خشونت و استبداد در مواجهه با نارضایتی اجتماعی مردم (به عنوان عوامل درون‌زا) و از سوی دیگر، احساس سرخوردگی و شکاف از عقب ماندگی از تحولات و پیشرفت‌های پدید آمده در غرب و ظهور بحران‌های فرهنگ نسبت از آن در سطح گسترده (به عنوان عامل برون‌زا)، به ظهور بحران مشروعیت سیاسی فرگشت. در سال‌های دهه ۱۲۸۰ شمسی منتهی گردید و رژیم وقت را در معرض سقوط و اضمحلال کامل قرار داد و بدین ترتیب، آزاد شدن از استبداد داخلی و وصول به دست آوردهای سیاسی، اجتماعی فرهنگ و تمدن غربی، دست مایه اقدام برای تغییر ساختار سیاسی حاکم از سوی مردم قرار گرفت.

از طرفی انقلاب مشروطه در دوره‌ای از تاریخ معاصر رخ داد و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تازه اندیشه ورزان ایرانی، پس از چند دهه تلاش و تجربه به شکل گسترده و نمایانی در ماحزای آن جنبش عرضه شد. مشروطیت و دیدگاه‌های تازه مطرح شده به مناسبت آن، به راستی میراث تجربه‌ها و کوشش‌های نخبگان از دوره ناصری و وام دار آشنایی ایرانیان با نمودهای تمدن غربی بود. نخبگان ایرانی که به شیوه‌های گوناگون با تمدن غرب آشنا شده بودند، با دیدن الگ‌های غربی، در رواج دادن آنها در ایران می‌کوشیدند و از این رو، به نقد جامعه خود و ساختارها و نهادهایش می‌پرداختند.

مهم‌ترین پدیده‌ای که آن نقدش کردند و دیگر اصلاحات پایه‌های جامعه نیز بدان گره خورد، نهاد «دولت» بود. ساختار قدرت سیاسی، تا پیش از پیدایی این دیدگاه‌های نو، بر نظریه «سلطنت الهی» و الگوی «حکومت بلامنازع پادشاه» استوار می‌شد؛ چیزی که اندیشه‌ورزان ایرانی آن را «سلطنت مطلقه» می‌خواندند، اما این الگو و ساختار استوار بر آن، از عصر ناصری به بعد نقد شد و نخبگان در «انتظام امور دولت» و «تحدید اقتدار سلطان» و تعریف اختیارات و وظایف او بسیار کوشیدند. دست‌آورد این تلاش‌ها در متون آن دوره بیش تر در قالب رساله‌های سیاسی و... یا چیده آنها در روزنامه‌های برون مرزی رخ نمود.

البته دو گونه از تفکر بر این پایه شکل گرفت که صاحبان هر دوی آنها، نظام سیاسی ایران را ناشایست (نامناسب) می‌دانستند اما شماری از آنان الگوی «سلطنت مستقلة منظمه» را که بیش‌تر در اندیشه‌های ملکم خان، ابوطالب بهبهانی و... نمایان بود، به حال ایران سودمند

می‌شمردند و برخی دیگر از آنان مانند مستشارالدوله، جمهوری یا به عبارت بهتر، دولت مشروطه را مطلوب و شایسته می‌خواندند.

به هر روی، پی‌آمد این نظرها در برپایی انقلاب مشروطه تأثیر گذارد و در آن آشکار شد. حکومت در مشروطه دگرگون گشت و نظام جدیدی در جایش نشست که معاصران این جنبش، آن را «دولت مشروطه» می‌خواندند و پشتیبانان آن؛ یعنی مشروطه‌خواهان برای پاسداری از آن تلاش می‌کردند و در زمینه‌های نظری، به توصیف و تبیین ویژگی‌های نهادینه کردنش می‌پرداختند.^۱

در این راستا ارکان مشرعیّت دولت در دولت مشروطه در طول سال‌های سپری شده از آن دچار تغییراتی شد که به‌عبارت دیگر از این تغییرات مربوط به تغییرات ساختاری و بعضی نیز مربوط به متفکران این جنبش می‌شود. در این پژوهش بر آن هستیم با بررسی این موارد به این تغییرات بر اساس نظریه مشروعیت دولت بپردازیم.

^۱ کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی (تهران، آگاه، ۱۳۵۷) ج ۲، ص ۴۴۰